

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال ششم، شماره‌ی بیست‌ویکم، پاییز 1393، صص 148-121

حمام و استحمام در فرهنگ ایرانیان عصر قاجاریه (از آغاز تا مشروطه)

علیرضا ملایی توانی*، میثم غلامپور**

چکیده

استحمام ایرانیان فراتر از کارکرد بهداشتی مرسوم، کارکردهای مختلفی داشت که بررسی و تبیین این ابعاد، می‌تواند ما را در فهم بهتر تاریخ فرهنگی ایران یاری رساند. از این‌رو، مسالهی پژوهش حاضر، بررسی جلوه‌ها، کارکردهای متنوع و ابعاد مختلف فرهنگ استحمام ایرانیان در دوره قاجار است تا به این پرسش پاسخ دهد؛ که استحمام ایرانیان آن عصر از چه ویژگی‌هایی برخوردار بوده؟ در پاسخ، مقاله این مدعا را طرح می‌کند که فرهنگ استحمام ایرانیان در آن عهد، علاوه بر کارکرد بهداشتی، ابعاد و نقش‌های چندگانه دیگری در چهار حوزه‌ی بهداشتی – سلامتی، دینی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی داشت که برآمده از باورهای هویت‌بخش و طرز معیشت بومی ایرانی – اسلامی است. این پژوهش، بر اساس روش توصیفی – تحلیلی می‌کوشد این کارکردها را به نمایش بگذارد. واژه‌های کلیدی: دوره‌ی قاجار، فرهنگ، حمام، هویت ملی.

* دانشیار پژوهشکده تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (mollaiynet@yahoo.com).
** کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب
(meysamgholampour@yahoo.com).
تاریخ دریافت: 93/03/27 – تاریخ تأیید: 93/09/04

مقدمه

فرهنگ را می‌توانیم مجموعه‌ی به هم پیچیده‌ای از اعتقادات، اعمال و آداب و رسوم مشترک اعضای یک جامعه یا گروه در زمانی مشخص تعریف کرد که در مجموع، آن جامعه را از سایر جوامع و گروه‌ها متمایز می‌سازد. با چنین وصفی، فهم جوامع انسانی در اعصار گوناگون بدون موشکافی در فرهنگ آن جوامع، امکان‌پذیر نیست. تاریخ فرهنگی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم دانش تاریخ می‌کوشد بر همین جنبه تمرکز کند. این مقاله نیز قصد دارد گوشه‌ای از تاریخ فرهنگی ایران عصر قاجار را در حوزه‌ی فرهنگ استحمام مورد کاوش قرار دهد.

بررسی نسبت بین استحمام و فرهنگ ایرانیان در دوره‌ی قاجار، مساله اصلی این پژوهش است. برای تبیین این نسبت، باید به این پرسش‌ها پاسخ گفت که مهمترین کارکردهای فرهنگی استحمام ایرانیان در دوره قاجار چه بوده؟ استحمام مردم عصر قاجار در حوزه بهداشت و سلامت چه کارکردهایی داشته؟ از چه ابعاد زیبایی‌شناسانه برخوردار بوده؟ مهمترین کارکردهای دینی استحمام از کجا نشأت می‌گرفته؟ و از چه کارکردهای اجتماعی برخوردار بوده است؟ در مقام پاسخ، باید به این نکته توجه داشت که استحمام هر چند پاسخ مشترک همه‌ی ایرانیان به مقوله‌ی پاکیزگی بود، اما از آن جا که با باورها و فرهنگ بومی مردم آن زمان پیوندی عمیق داشت، مجموعه به هم پیوسته‌ای از رفتارها، آداب و رسوم را تشکیل می‌داد و برخلاف امروز تنها در شست‌وشوی بدن از آلودگی‌ها خلاصه نمی‌شد، بلکه ویژگی‌ها و کارکردهای متنوعی متناسب با فرهنگ مردم آن عصر داشت.

از آن جا که تاکنون درباره فرهنگ استحمام ایرانیان در عصر قاجار، به طور مستقل هیچ پژوهش تاریخی منسجم و مستندی صورت نگرفته است، در نتیجه، ابعاد مختلف کارکردهای بهداشتی، دینی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی آن چندان شناخته نیست. البته در این زمینه، می‌توان به کتاب گرمابه‌های ایران در آینه سفرنامه‌ها¹ اثر محسن طبسی اشاره

1. محسن طبسی، (1390)، گرمابه‌های ایران در آینه سفرنامه‌ها، مشهد: سخن‌گستر.

حمام و استحمام در فرهنگ ایرانیان عصر قاجاریه 123

کرد که در آن به نقل بخش‌هایی از سفرنامه‌ها پرداخته شده که به موضوع حمام و استحمام اختصاص دارند. این اثر و جداولی که مولف در پایان آن آورده و در آنها داده‌های سفرنامه‌ها را موضوع‌بندی نموده، می‌تواند راهنمایی برای پژوهشگران باشد. کتاب دیگر این مولف، با عنوان کتابنامه گرمابه‌ها¹ نیز با توجه به ارائه دسته‌بندی شده‌ی مشخصات منابع مختلف مرتبط با موضوع گرمابه‌ها، حکم یک راهنما را برای محققان دارا است. بخشی از منابع معرفی شده در این دو کتاب، اختصاص به دوره‌ی مورد بررسی این مقاله، یعنی قاجاریه، دارند.

ابهام‌های موجود درباره‌ی نقش‌های چندگانه استحمام ایرانیان دوره‌ی قاجار، نگارندگان را واداشت تا در پژوهشی اکتشافی و با روش توصیفی - تحلیلی، دریچه‌ی تازه‌ای به سوی موضوع بگشایند. در این مسیر، افزون بر انبوه سفرنامه‌های غیرایرانیان به خاطره‌نگاشته‌های ایرانیان دوره قاجار و سایر آثاری که رویکردی مردم‌شناسانه داشته‌اند نیز توجه شده است تا ابعادی از لایه‌های هزارتوی فرهنگ استحمام دوره‌ی قاجار روشن شود.

حمام و استحمام ایرانی در عصر قاجار

حمام‌های دوره قاجار با وجود وجوه تشابه ظاهری‌شان، از جنبه‌های گوناگون با هم تفاوت داشتند. در نتیجه، می‌توان از چند جهت به تقسیم‌بندی آنها پرداخت: حمام‌ها بر اساس نوع ساخت‌شان به دو دسته عمومی و خصوصی (خانگی)، تقسیم می‌شدند. حمام‌های عمومی، به طور طبیعی ساختمانی جدا از ساختمان‌های مسکونی داشتند و عموم مردم با پرداخت وجهی از آن بهره می‌بردند. البته گاهی برخی از اعیان با پرداخت پول بیشتر، حمام عمومی را برای چند ساعت برای استفاده‌ی خود به اصطلاح «قرق» می‌کردند.² به این ترتیب قدرت مالی می‌توانست حتی کارکرد عمومی حمام را کاهش دهد.

1. همان، (1392)، کتابنامه گرمابه‌ها، مشهد: سخن‌گستر.

2. چارلز جیمز ویلز، (1368)، ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران: اقبال، ص 372.

حمام‌های خصوصی که درون یک ساختمان مسکونی یا در کنار آن ساخته می‌شدند، تنها به اعیان اختصاص داشتند. این حمام‌ها در کنار سه بخش بیرونی، اندرونی و خلوت، بخش چهارم خانه بسیاری از بزرگان را تشکیل می‌دادند.¹ به این ترتیب حمام سرخانه، یکی از نشانه‌های تعیین خاستگاه اجتماعی افراد بود. البته درب برخی از این حمام‌ها در زمان‌هایی معین چه با پرداخت پول و یا بدون آن، به روی سایر مردم نیز گشوده می‌شد. به همین دلیل، و نیز از آن جهت که اعیان (به ویژه زنان‌شان)، معمولاً به طور دسته جمعی و با دوستان و آشنایان خود به حمام می‌رفتند، حتی این نوع از حمام‌ها نیز در عمل، کارکرد عمومی داشتند.

حمام‌ها بر اساس جنسیت استفاده‌کنندگان نیز قابل تقسیم بودند. در دوره‌ی قاجار به‌طور معمول، ساختمان حمام‌های مورد استفاده زنان و مردان یکسان بود، اما زمان استفاده‌ی آنها تفاوت داشت. به این ترتیب که حمام‌ها در ساعاتی از روز به آقایان و در دیگر ساعات روز، به بانوان تعلق داشت. البته گاهی اوقات برخی از حمام‌ها به طور کلی یا در روزهایی خاص تنها به یکی از این دو گروه اختصاص می‌یافت. گاه در بنای حمام‌ها دو ساختمان مجزا یکی برای مردان و دیگری برای زنان در نظر گرفته می‌شد. از نمونه‌های معروف به جای مانده‌ی این نوع حمام‌ها، می‌توان به حمام «محمدرحیم خان (صفا)» در قزوین اشاره کرد.²

محدودیت‌ها و باورهای مذهبی موجب می‌شد محله‌های اقلیت‌نشین عصر قاجار، حمام خاص خود را داشته باشند؛ زیرا در حمام‌های عمومی مسلمانان، غیرمسلمانان اجازه ورود نداشتند. از این‌رو، می‌توانیم حمام‌ها را بر اساس اعتقادات دینی به حمام‌های مسلمانان و حمام‌های اقلیت‌های دینی هم تقسیم کنیم. حمام چهار فصل اراک، یکی از معروف‌ترین

1. کنت‌ژولین دو روشسوار، (1378)، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهران توکلی، تهران: نی، ص 206-207؛ منصوره اتحادیه و سعید روحی، (1385)، در محضر شیخ فضل‌الله نوری (اسناد حقوقی عهد ناصری)، با پیشگفتاری از علی آل‌داود، ج 1، تهران: نشر تاریخ ایران، ص 258؛ همان، ج 2، ص 684.

2. کامبیز حاجی قاسمی، (1383)، *حمام‌ها*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، مرکز اسناد و تحقیقات؛ روزنه، ص 82، 16.

حمام و استحمام در فرهنگ ایرانیان عصر قاجاریه 125

حمام‌های به‌جا مانده‌ای است که در آن، حمام اقلیت‌ها به‌طور مجزا از حمام مسلمانان بنا شده است.¹ البته روشن است که با توجه به دامنه‌ی نفوذ دین اسلام، اکثر حمام‌ها جزء دسته‌ی نخست بودند. در شمار انواع حمام‌های روزگار قاجار، می‌توان به چشمه‌های آب‌گرم نیز اشاره کرد که به دلیل فواید درمانی، به محوطه‌هایی برای حمام کردن تبدیل شده بودند. افزون بر این، در اردوهای شاهی در میان خیمه‌ها، مکانی برای حمام سیار برپا می‌شد که به این حمام‌های سفری، حمام بلغار می‌گفتند.²

از لحاظ سبک بنا، چند مشخصه، حمام‌های عمومی را از سایر بناها متمایز می‌ساخت. از جمله‌ی این مشخصه‌ها، سقف حمام‌ها بود که معمولاً به صورت گنبدی شکل ساخته می‌شد و امکان تشخیص آنها را از سایر بناها فراهم می‌کرد. همین‌طور بر سردر حمام‌های عمومی، نقش و نگارهای ساده‌ای با موضوعاتی مثل نبردهای رستم یا حیواناتی مثل شیر خودنمایی می‌کرد. این نقش و نگارها، حتی دستمایه شکل‌گیری تعبیر «رستم در حمام» هم بودند؛ تعبیری که اشاره به فردی داشت که گرچه از هیکلی درشت برخوردار بود ولی در عمل، انسانی ناتوان و به اصطلاح بی‌خاصیت بود.³

در فضای اطراف حمام‌ها، توده‌هایی از فضولات حیوانی نیز قابل رویت بود که از آنها برای سوخت حمام استفاده می‌شد. این توده‌ها گرچه نازیبا بودند؛ اما وجودشان از مشخصه‌های فضای بیرونی حمام‌های آن عصر به‌شمار می‌رفت.⁴ وجود لُنگ‌های پهن

1. همان، ص 16-17.

2. دوستعلی‌خان معیرالممالک، (1372)، یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین‌شاه، تهران: نشر تاریخ ایران، ص 83-84؛ قهرمان‌میرزا عین‌السلطنه، (1376-1374)، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ج 1، به‌کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر، ص 502؛ ناصرالدین‌شاه، (1379)، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان، به‌کوشش فاطمه قاضیها، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ص 21.

3. امین خضرای، (1382)، فرهنگ‌نامه امثال و حکم ایرانی، شیراز: نوید شیراز، ص 373.

4. هینریش بروگش، (1367)، سفری به دربار صاحبقران، ج 1، ترجمه حسین کردبچه، تهران: اطلاعات، ص 199؛ نوبویوشی فوروکاوا، (1384)، سفرنامه فوروکاوا، ترجمه هاشم رجبزاده و کینیچی ته‌اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص 269.

شده در ورودی حمام‌ها و همین‌طور کارگران حمامی که برای نفس تازه کردن هر از گاهی به دم در می‌آمدند، از دیگر مشخصه‌های دیداری حمام‌های عصر قاجار بود.¹

حمام‌های عمومی دوره قاجار، گذشته از چنین مشخصه‌های دیداری که اشاره شد، از یک نشانه‌ی شنیداری نیز بهره می‌بردند. این نشانه، بوق حمام بود که صدای بلندی داشت و وسیله‌ای برای اطلاع‌رسانی به مردم منطقه بود؛² دمیدن در آن در نیمه‌های شب، از باز شدن در حمام، و در ساعات میانی روز، از تغییر کاربری حمام از مردانه به زنانه یا برعکس خبر می‌داد. صدای این بوق طوری با فرهنگ مردم عجین شده بود که حتی تعبیر بوق حمام در ضرب‌المثل‌ها و کنایات و اشارات رایج میان مردم هم راه پیدا کرده بود. تعبیری مثل «بوق روی حمام است»، «حمام ده را چه به بوق؟» و «...تا بوق حمام چه گوید؟» نمونه‌هایی از این نوع هستند.³ البته دستمایه ضرب‌المثل‌ها شدن، تنها اختصاص به بوق حمام نداشت و خود حمام هم در موارد متعددی دستمایه‌ای برای خلق ضرب‌المثل‌هایی در فرهنگ ایران شده است.⁴

ساختمان حمام‌های عمومی عصر قاجار، که در ساخت آنها اصول شرعی و طبی رعایت می‌شد، به دلایلی مانند سهولت سوار شدن جریان آب به سیستم آبرسانی حمام، گرم شدن فضای داخلی در زمستان، معتدل شدن آن در تابستان و استحکام بنا، پایین‌تر از سطح معیار اطراف ساخته می‌شدند.⁵ داخل حمام‌ها از چند بخش تشکیل می‌شد که یکی از مهم‌ترین آنها سربینه بود. سربینه که معمولاً در وسط آن حوضی با آب خنک قرار داشت،

1. کارلا سرنا، (1362)، آدم‌ها و آئین‌ها در ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار، ص 152.

2. درباره بوق حمام روایت‌های جالبی نقل شده است، که برای نمونه در این زمینه نک: ایران در یک قرن پیش، ص 112؛ ناصر نجمی، (1364)، طهران عهد ناصری، تهران: عطار، ص 440.

3. فرهنگ‌نامه امثال و حکم ایرانی، ص 206.

4. در این زمینه نک: حسن انوری، (1384)، فرهنگ امثال سخن، ج 1، تهران: سخن، ص 365.

5. کاظم ملازاده و مریم محمدی، (1379)، بناهای عام‌المنفعه (آب‌انبار، بازار، پل و سد، حمام)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، ص 25؛ جعفر شهری، (1368)، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ج 3، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا؛ اسماعیلیان، ص 1.

همان رخت‌کن حمام بود که در آن علاوه بر درآوردن و بر تن کردن لباس، آدابی مثل گپ زدن با دوستان، قلیان کشیدن و... نیز انجام می‌شد. هوای سربینه را معمولاً نیمه‌گرم می‌کردند تا مراجعان یکباره با هوایی گرم مواجه نشوند و در هنگام خروج از گرمخانه (محل اصلی شست‌وشو) نیز یکباره در هوای متفاوت بیرون قرار نگیرند و سلامت‌شان به خطر نیفتد.¹

یکی دیگر از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین فضاهای داخلی حمام‌ها، بخش خزینه بود که محوطه‌ای مملو از آب و در مجاورت گرم‌خانه بود و جایگاهی تعیین‌کننده در فرهنگ استحمام ایرانیان در گذشته داشت. معمولاً مردان و زنان پیش و پس از شست‌وشوی اصلی و انجام آدابی مانند کیسه کشیدن و مشت و مال و حنا بستن داخل خزینه می‌شدند. عمل غسل کردن در خزینه انجام می‌شد و این، شاید مهم‌ترین کارکرد خزینه‌ها و مهم‌ترین عامل پیوند اعتقادات دینی و فرهنگ استحمام ایرانیان به شمار می‌رفت.

ابعاد مختلف فرهنگ استحمام ایرانی در عصر قاجار

1- بُعد بهداشتی - سلامتی فرهنگ استحمام

نخستین و مهم‌ترین کارکرد حمام، کارکرد بهداشتی آن به منظور برآوردن نیاز انسان به شست‌وشوی جسم خود بود که در واقع وجه مشترک کارکرد حمام‌ها در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها محسوب می‌شود. در دوره‌ی قاجار، برای تامین این نیاز در کنار استفاده از آب و صابون و سایر لوازم بهداشتی، سنت کیسه کشیدن نیز جزئی از فرهنگ استحمام به شمار می‌رفت که معمولاً توسط دلاک‌ها² انجام می‌شد. دلاک‌ها با کشیدن کیسه بر بدن افراد، در

1. حمام‌ها، ص 7.

2. در حمام‌ها جدا از افرادی مثل کارگران حمام یا جامه‌دار، که وظیفه‌اش حفاظت از اموال و لباس‌های مردم بود، مهم‌ترین و تاثیرگذارترین قشر در جریان استحمام، دلاک‌ها بودند که حمام آن عصر بدون آنها معنایی نداشت. جدا از آدابی مثل کیسه کشیدن، مشت و مال دادن، حنا بستن پوست و مو و کوتاه کردن ریش و تراشیدن موی سر که بسیاری از اوقات توسط این گروه انجام می‌شد، آنها مهارت‌های دیگری نیز داشتند. در فهرست مهارت‌های برخی از دلاک‌ها اموری مثل حجامت کردن، زالو انداختن، دندان کشیدن،

واقع جسم، آنها را به بهترین شکل از چرک و آلودگی‌ها پاک می‌کردند. این عمل، به دلیل این‌که با جداسازی چرک‌ها، مجرای ترشح عروق را دوباره باز می‌کرد، برای سلامت افراد بسیار اساسی بود.¹

در فرهنگ استحمام ایرانی، افزون بر کیسه کشیدن، آداب دیگری چون مشمت و مال نیز به عنوان بخشی از کارکردهای سلامت‌بخش حمام برای بهبود عملکرد جسمی افراد مدنظر بود. مشمت و مال بدن، دارای آداب خاصی بود، گرچه در ابتدا جان‌فرسا به نظر می‌رسید؛ اما در نهایت برای فرد، احساس شادابی را به ارمغان می‌آورد. این عمل، به خصوص برای افراد خسته از کار و سفر، لذتی مضاعف داشت. زیرا با امکانات و تجربه‌های آن عهد، هیچ چیز به اندازه‌ی مشمت و مال، بدن را طراوت نمی‌بخشید و خون را به جریان نمی‌انداخت و سود حاصل از آن با بهترین روش‌های پزشکی آن عهد برابر بود.²

از دیگر کارکردهای بهداشتی فرهنگ استحمام ایرانیان آن عهد، رسم حنا بستن بود که بسیار رواج داشت و از زن و مرد تا پیر و جوان به آن مقید بودند. این عمل، جدا از جنبه‌ی زیبایی باعث تقویت موها می‌شد. بسیاری از ناظران، موی مشک‌پریست ایرانیان را از فواید حنا بستن برشمرده‌اند. استفاده‌ی درمانی حنا، تنها اختصاص به موها نداشت و از آن برای درمان اعضای سرمازده، خراش‌ها، محل پیچ‌خوردگی و التهاب‌های مختصر مفصلی نیز استفاده می‌کردند و این تصور وجود داشت که حنا باعث تقویت پوست هم می‌شود.³ براساس گزارش‌های موجود در ایران آن عهد، جوش‌های جلدی (اگزما) بسیار نادر بود و استحمام مرتب ایرانیان از دلایل آن شمرده می‌شد.⁴ به روایتی در آب و هوای

خننه کردن و حتی طبابت هم جلب توجه می‌کند: زان دیولافوا، (1332)، سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه علیمحمد فره‌وشی، تهران: خیام، ص 97؛ یاکوب ادوارد پولاک، (1368)، سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی، ص 401.

1. گاسپار دروویل، (1365)، سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، تهران: شباویز، ص 63.

2. همان‌جا.

3. سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان، ص 246.

4. همان، ص 467.

حمام و استحمام در فرهنگ ایرانیان عصر قاجاریه 129

خشک ایران در آن عصر بدون آن‌گونه حمام‌ها، افراد نمی‌توانستند مدت زیادی سالم بمانند و گرفتار امراض جلدی می‌شدند.¹

به اعتقاد پولاک، پزشک آلمانی و آموزگار دارالفنون، حمام ایرانی در مداوای دردهای مفصلی و روماتیسمی کمک موثری بود، هر چند استفاده‌ی مکرر از آن، ممکن بود انسان را دچار سستی و رخوت نماید.² سرجان ملکم؛ دیپلمات انگلیسی، با اشاره به این‌که مردم طبقات پایین ایران در آن عصر عادت به تعویض دیر به دیر لباس‌های خود داشتند، می‌نویسد: «با این عادات هیچ چیز سبب صحت این مردم نیست، مگر غسل‌هایی که در شریعت‌شان واجب است و حمام‌های پی‌درپی که در شهر و قریه یافت می‌شود».³ نقش حمام در سلامتی جسم و جان از چنان اهمیتی برخوردار بود که حکیم محمدکاظم گیلانی - ملقب به ملک‌الاطباء طبیب مخصوص ناصرالدین شاه - فصلی از کتاب *حفظ‌الصحه* ناصری را به استحمام اختصاص داد و در آن به بیان «نیک و بد و شروط و تدبیر و منافع و مضار حمام» پرداخت.⁴

در کنار محاسن ذکر شده، نباید از این نکته غافل بود که حمام‌های آن عهد، گاه به دلایلی مانند عدم رعایت صحیح بهداشت، به مکانی برای شیوع برخی بیماری‌ها تبدیل می‌شدند. به‌ویژه در دوره‌های کم‌آبی، آب خزینه‌ها دیر به دیر عوض می‌شد و گرم کردن خزینه‌ها مشکل بود؛⁵ و از آنجا که روزانه افراد متعددی به طور هم‌زمان از آن استفاده می‌کردند، زمینه‌ای برای شیوع بیماری‌های واگیردار فراهم می‌آمد.⁶ اگر در زیر این

1. ارنست هولتسر، (1355)، *ایران در یکصد و سیزده سال پیش*، ترجمه محمدعاصمی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم‌شناسی ایران، ص 46.
2. سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان، ص 246.
3. سرجان ملکم، (1383)، *تاریخ ایران*، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: سنایی، ص 715.
4. محمدکاظم گیلانی، (1387)، *حفظ‌الصحه ناصری*، به کوشش رسول چوپانی، تهران: المعی، ص 155-145.
5. آگوست بن‌تان، (1354)، *سفرنامه آگوست بن‌تان*، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام‌مافی)، تهران: بی‌نا، ص 73.
6. جان ویشارد، (1363)، *بیست سال در ایران*، ترجمه علی بیرنیا، تهران: نوین، ص 199-198.

خزینه‌ها، کوره‌ای نبود که آب را داغ کند، دام مرگ استفاده‌کنندگان بود.¹ معمولاً در آن عصر، از نظر بهداشتی اگر به کثیفی حمام‌ها اشاره می‌شد، بیشتر متوجه وضع آب خزینه‌ها بود زیرا آب خزینه‌ها ملاک خوبی در سنجیدن میزان تمیزی حمام‌ها تلقی می‌شد. متأسفانه شواهد گواه آنند که بخش بزرگی از حمام‌های عمومی دوره‌ی قاجار، از مشکل آلودگی خزینه‌ها رنج می‌بردند.² آنچه در این موارد به کمک استحمام‌کنندگان می‌آمد، داغی در حد جوش آب خزینه‌ها بود. البته ناگفته نماند که آلودگی آب خزینه‌ها و حمام‌ها را نباید صفت کلی حمام‌های عمومی دوره‌ی قاجار به شمار آورد؛ زیرا در پاره‌ای از گزارش‌ها، از پاکیزگی حمام‌ها سخن رفته است.³ عین‌السلطنه که به حمام‌های متعددی در عصر قاجار قدم گذاشته بود، در گزارش‌هایش هم از حمام‌های نامتیز و هم حمام‌های خوب و تمیز یاد کرده است.⁴ در بررسی بهداشتی — سلامتی حمام‌های عصر قاجار، نباید از استحمام در چشمه‌های آب گرم غافل شد که در شهرهای مختلف ایران وجود داشت و مردم با توجه به خواص درمانی آب این چشمه‌ها، در آنها استحمام می‌کردند و ظاهراً نتایج خوبی هم از استحمام در این چشمه‌ها می‌گرفتند.⁵

در مجموع، آداب مختلف استحمام ایرانیان در عصر قاجار، نقشی تاثیرگذار در وضع سلامتی و شادابی آنها و پیشگیری از برخی بیماری‌ها و دردها ایفا می‌کرد. این نکته‌ای است که حتی پزشکان غیرایرانی هم بر آن تأیید کرده‌اند. نگارندگان، از مطالعه نوشته‌های موجود درباره‌ی آداب مختلف استحمام ایرانیان در عصر قاجار، چنین استنباط کرده‌اند که آنچه بر سلامتی‌بخش بودن استحمام ایرانی می‌توانست خدشه وارد کند، عدم رعایت

1. همان، ص 198.

2. سفرنامه اگوست بن‌تان، ص 72-73.

3. اوژن فلاندن، (1356)، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی، ص 440؛ سفری به دربار صاحبقران، ج 2، ص 382.

4. روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، ج 2، ص 1675، 1665، 1659، 1614، 1536، 1389.

5. ایران در یکصد و سیزده سال پیش، ص 47.

حمام و استحمام در فرهنگ ایرانیان عصر قاجاریه 131

صحیح بهداشت در برخی از حمام‌های عمومی بود که معمولاً در وضعیت آب خزینه‌ها نمود پیدا می‌کرد و در مجموع، سطح کیفی حمام‌های مورد استفاده، معلولی از وضع معیشتی افراد بود.

2- بعد دینی فرهنگ استحمام

حمام کردن و فرهنگ استحمام در ایران عصر قاجار همواره ارتباط تنگاتنگی با اعتقادات دینی مردم داشت. جدا از توصیه‌های اسلام به پاکیزگی، استحمام؛ پاسخ مستقیمی به برخی از نیازهای شرعی مسلمانان بود. چنان که اسلام غسل کردن را واجب شمرده است و بدون غسل نمی‌توان فرایضی چون نماز را به جای آورد. عقاید دینی، همچنین در شکل‌دهی به فرهنگ و شیوه استحمام ایرانیان تاثیرگذار بود. حمام‌های عمومی تابع باورهای دینی مردم، پیش از طلوع آفتاب در نیمه‌های شب باز می‌شدند. در حالی که صاحبان سایر شغل‌ها در استراحت به سر می‌بردند، باز شدن حمام‌ها توسط حمامی‌ها صرفاً با انگیزه دینی و ضرورت شرعی صورت می‌گرفت. چنین کارکردی دیگر فقیر و غنی نمی‌شناخت و فرقی میان نحوه استحمام طبقات مختلف اجتماعی نبود و تنها اعتقادات دینی افراد بود که حکم می‌راند و آنها را حتی در نیمه‌های شب به حمام‌ها می‌کشاند. بر اساس همین ضرورت دینی، جمعه‌ها که بازارها بسته بودند و شهرها خالی از سکنه به نظر می‌رسیدند، حمام‌ها برای استفاده عموم باز بودند.¹

بر اساس اعتقاد عمومی، به طور معمول غیر مسلمانان اجازه ورود به حمام‌های عمومی را نداشتند و حمام‌های عمومی ایرانیان مسلمان، معمولاً تنها اختصاص به خود آنها داشت. ظاهراً این اعتقاد رایج و غالب آن عصر بوده است. در عوض از سوی دیگر، محله‌های اقلیت‌های دینی، معمولاً دارای حمام مخصوص به خود بودند. البته در موارد مختلفی هم مسافران غیرمسلمان این شانس را داشتند که به دلایلی مثل میهمان‌نوازی میزبان یا... از حمام مسلمانان بهره ببرند.² مواردی این چنین برای غیرایرانیان فرصت مغتنمی بود تا به

1. سفر در ایران، ص 123.

2. آدم‌ها و آتین‌ها در ایران، ص 152؛ ادوارد گرانویل براون، (1381). یک سال در میان ایرانیان، ترجمه منی صالحی علامه، تهران: ماه‌ریز، ص 80.

بررسی کم و کیف حمام و استحمام ایرانیان پیردازند و حاصلش گزارش‌های قابل تاملی است که ما اکنون در قالب سفرنامه‌های آن عصر در دست داریم. این گزارش‌ها حکایت از آن دارد که برای غیرایرانیان هم معماری داخلی حمام‌ها و هم فرهنگ و آداب استحمام ایرانیان و پیوستگی این آداب با اعتقادات دینی مردم بسیار قابل تأمل بوده است. باورهای دینی در معماری حمام‌ها هم تاثیرگذار بودند. چنان‌که در حمام‌های عمومی، مکانی به نام خزینه با کارکردهای دینی و به طور مشخص برای غسل کردن وجود داشت. ابعاد خزینه‌ها و حجم آب داخل آنها، همه تابعی از باورهای دینی رایج بود. در نحوه تعویض آب خزینه‌ها، بیش از دلایل بهداشتی، دلایل دینی نقش داشتند و مردم بیش از آن‌که نسبت به بهداشت آب حساس باشند، نسبت به میزان شرعی آن حساسیت داشتند. در دوره قاجار، انگیزه‌ی ساخت حمام‌های عمومی با توجه به جنبه‌های دینی آن نیز تحت تاثیر باورهای مذهبی قرار داشت و بسیاری از حمام‌ها با نیت وقف ساخته می‌شدند. حمام‌ها بناهایی برای پاسخگویی به نیازهای شرعی و بهداشتی و به اصطلاح عام‌المنفعه بودند و در نتیجه اعتقادات عمومی، افراد خیر را به ساخت آنها برای استفاده عموم سوق می‌داد.

در خانه‌های برخی بزرگان نیز حمام‌هایی وجود داشت که در آن (گرچه حداقل در بسیاری موارد با پرداخت هزینه)، به روی عموم مردم باز بود. طبق یکی از گزارش‌های به جای مانده درباره‌ی انگیزه چنین کاری توضیح داده شده که یکی از نیکوکاری‌ها به اعتقاد ایرانیان این بود که «برای برادران دینی، ساز و برگ خودشویی و شست‌وشوی گناهان را فراهم کنند».¹ افزون بر آنچه گفته شد، حمام رفتن مطابق برخی اعتقادات رایج و ریشه‌دار مردم عصر قاجار، بخشی از آداب خاص و اجتناب‌ناپذیر زندگی نیز شمرده می‌شد. به عنوان نمونه، ده روز پس از زایمان، مادر را به حمام برده و در آنجا آداب خاصی را به عمل می‌رساندند.² طبق یکی از رسم‌های مراسم عروسی نیز دوستان و نزدیکان عروس و

1. خاطرات سفر ایران، ص 207.

2. درباره آداب مفصل حمام زایمان نک: مونس‌الدوله، (1386)، خاطرات مونس‌الدوله، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران: زرین، ص 88-95، 8.

حمام و استحمام در فرهنگ ایرانیان عصر قاجاریه 133

داماد، آنها را به حمام می‌بردند تا از این طریق پاکیزه و زیبا، قدم به خانه‌ی بخت بگذارند. در این مواقع، پس از خارج شدن عروس از حمام برای او شعر نیز می‌خواندند.¹ براساس رسمی دیگر، روز قبل از تحویل سال نو، رسم بود که ایرانیان به حمام می‌رفتند تا به این وسیله چرک بدن‌شان را همراه با بدی‌های سال از خود دور کنند و پاک و منزه وارد سال جدید شوند.² به همین جهت، نزدیک عید نوروز یکی از شلوغ‌ترین روزهای حمام‌های عمومی بود. در برخی از مناسبت‌های مذهبی، مثل شب عید فطر هم رسم بود که مردم به حمام می‌رفتند تا صبح عید، پاک باشند و در نتیجه چند روز مانده به عید فطر، که حمام‌ها حتی نیمه‌های شب باز بودند، مانند ایام شب عید نوروز حمام‌ها یکی از شلوغ‌ترین روزهای‌شان را از سر می‌گذراندند.³ از سوی دیگر، گاهی نرفتن به حمام هم در چارچوب باورها و آداب و رسوم مردم قرار داشت و آن مربوط به برخی صاحبان عزا بود که تا مدتی پس از مرگ عزیزشان، از استحمام خودداری می‌کردند.⁴ در مجموع، استحمام؛ بخش جدایی‌ناپذیر بسیاری از آداب و رسوم و آیین‌های ایرانیان در عصر قاجار بود. این پیوستگی، حکایت از جایگاه پاکیزگی به وسیله آب نزد ایرانیان داشته است.

3- بعد زیبایی‌شناختی فرهنگ استحمام

یکی دیگر از ابعاد فرهنگ استحمام در دوره‌ی قاجار، بعد زیبایی‌شناختی آن بود. استحمام، فرصتی بود که مردان و زنان علاوه بر شست‌وشو، به آرایش و پیرایش صورت، موها و بدن خود نیز بپردازند و این موارد، یکی از آداب اصلی استحمام به شمار می‌رفت. نیاز مردم به آراستن و پیراستن خود که امروزه در فضاهایی مثل آرایشگاه‌ها صورت می‌گیرد، در آن دوره، در حمام‌ها انجام می‌شد. در زمانی که از انواع رنگ‌موها و سایر ابزارهای متنوع

1. از جمله این شعرها، به عنوان نمونه این‌طور می‌خواندند: «گل درآمد از حموم، سنبل درآمد از حموم؛

شاه دوما را بگین: عروس درآمد از حموم»؛ خاطرات مونس‌الدوله، ص 47.

2. سفری به دربار صاحبقران، ج 2، ص 621؛ سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان، ص 255.

3. خاطرات مونس‌الدوله، ص 154.

4. سفر در ایران، ص 313.

آرایشی خبری نبود، چه مردان و چه زنان از «حنا» برای زیبا جلوه دادن خود بهره می‌بردند و حنا بستن عمدتاً در حمام‌ها انجام می‌شد. رسم حنا بستن به طبقه، قشر و حتی سن و سال خاصی از مردم اختصاص نداشت و همگان به انجام آن مقید بودند. جان ویشارد با اشاره به این‌که در ایران هیچ زینتی به زیبایی و حرمت مو و ریش قرمز رنگ نبود، می‌نویسد: «بسیاری از مردان سالمند صرفاً برای رنگ کردن موی سر و ریش خود به حمام می‌رفتند».¹ یعنی گاه انگیزه‌ی استحمام، نیاز افراد به آرایش و پیرایش بود. در این مواقع، بعد زیبایی‌شناختی حمام بر سایر ابعاد آن غلبه داشت.

اهمیت حنا بستن ریش مردان ایرانی در عهد قاجار در این نکته نهفته بود که تقریباً همه‌ی مردان ایرانی ریش داشتند. ریش آنقدر حرمت داشت که به تارهای آن قسم می‌خوردند و زمانی که می‌خواستند مردی را مورد تنبیه قرار دهند، ریش او را می‌تراشیدند.² حتی جوان‌ها نیز برای این‌که هر چه زودتر ریش‌شان درآید، معمولاً حرص و ولع داشتند. روشن است که با توجه به چنین نگاهی تمیز و زیبا نگاه داشتن ریش برای مردان ایرانی اهمیت داشت و ابزار زیباسازی ریش هم حنا بود که معمولاً در حمام‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ زیرا حمام داغ، موجب می‌شد که ریش و مو رنگ را بهتر بپذیرند و این امر در جذب و دوام آن موثر بود.³ البته بستن حنا در حمام‌ها، دارای آداب و تشریفات خاصی بود که گزارش‌های متنوع و مفصلی درباره‌ی آنها وجود دارد.⁴ این عمل، به تعبیر دروویل، از خطرات ناشی از استعمال داروهایی که شارلاتان‌های لندن و پاریس به این اسم به قیمت طلا می‌فروختند، دور بود.⁵

کارکرد حنا، چنان‌که پیشتر اشاره شد، تنها در جنبه زیبایی خلاصه نمی‌شد؛ بلکه به اعتقاد رایج آن عهد، تقویت‌کننده‌ی موها و موجب پریشاد شدن و رشد سریع موها نیز

1. بیست سال در ایران، ص 199.

2. سفری به دربار صاحبقران، ج 1، ص 128.

3. جیمز موریه، (1385)، سفرنامه جیمز موریه، ج 1، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس، ص 277.

4. در این زمینه نک: سفرنامه اوژن فلاندن، ص 255؛ سفرنامه جیمز موریه، ج 1، ص 276-277.

5. سفر در ایران، ص 63.

حمام و استحمام در فرهنگ ایرانیان عصر قاجاریه 135

بود.¹ استفاده از حنا، تنها به ریش مردان و موی زنان و مردان محدود نمی‌شد؛ بلکه به انگشتان دست و پا و کف دست و پا نیز حنا می‌بستند.² این شیوه‌ی زیباسازی با حنا، در عروسی‌ها و آرایش نوعروسان کاربرد داشت و دوستان و نزدیکان عروس پیش از ازدواج در حمام با حنا موها و دست و پای او را آرایش می‌کردند.³ البته زنان در حمام برای آرایش تنها به حنا اکتفا نمی‌کردند. آنها بسته به طبقه اجتماعی خود، از سایر وسایل آرایشی نیز بهره می‌بردند.⁴ طبق گزارش‌های مربوط به حمام اختصاصی زنان درباری دوره ناصری، «هر قسم اسباب آرایش» در طاقچه حمام موجود و کار آرایش «بسیار دقیق و طولانی» بود و شامل مواردی چون رنگ ناخن‌های دست و پا با حنا، سرمه و وسمه کشیدن و بافتن گیسوان می‌شد.⁵ به خاطر چنین کارکردی بود که زنان برای رفتن به حمام، زینت‌آلات ضروری را نیز با خود همراه می‌بردند.⁶ همچنین در حمام زنان خاندان سلطنتی دوره‌ی ناصری، وسایل آرایشی متنوعی چون شیشه‌های عطر، چند آینه، جعبه‌های توالت پر از سرخاب و سفیداب و... آن هم «از همه نوع و هر قدر که دلشان بخواهد» موجود بود.⁷

بسیاری از مردان نیز علاوه بر حنا سایر کارهای آرایشی، پیرایشی خود را مثل کوتاه کردن ریش و تراشیدن موی سر در حمام انجام می‌دادند. اموری مثل زدودن موهای بدن با زرنیخ و آهک و کشیدن سنگ‌پا نیز بخش‌های دیگری از آداب استحمام شمرده می‌شدند.

1. سفرنامه آگوست بن‌تان، ص 73؛ سفر در ایران، ص 63.

2. سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ص 255؛ بیست سال در ایران، ص 199.

3. آدم‌ها و آئین‌ها در ایران، ص 260.

4. برای اطلاع، نمونه‌ای از وسایل و موادی که زنان اعیان به حمام می‌بردند، نک: خاطرات مونس‌الدوله، ص 238-240.

5. ژوانس فووریه، (1390)، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش محمدرضا حسن‌بیگی، تهران: نوین، ص 201؛ هنری موزر، (1356)، سفرنامه ترکستان و ایران، ترجمه علی مترجم، به کوشش محمد گلبن، تهران: سحر، ص 268.

6. ژوزف آرتور گوینیو، (1383)، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران: قطره، ص 312.

7. آدم‌ها و آئین‌ها در ایران، ص 153.

بسیاری از کارهای آرایشی و پیرایشی که به آنها اشاره شد در حمام‌های عمومی یا توسط خود افراد و یا توسط دلاک‌ها و در حمام‌های خصوصی، توسط کلفت‌ها انجام می‌شد. از گزارش‌های سفرنامه‌نویسان خارجی درباره حنابستن ایرانیان، چنین برمی‌آید که این رسم، برای بسیاری از آنها تازگی داشته و نمونه‌ی آن را با این سبک و سیاق در جایی دیگر ندیده بودند. همچنین حنابستن در نگاه ناظران خارجی، یکی از بارزترین جلوه‌های استحمام ایرانی شمرده شده است. به همین دلیل، سفرنامه‌نویسانی مثل کارلا سرنا، یاکوب ادوارد پولاک و جیمز موریه به طور مفصل، به شرح آن پرداخته‌اند.

در نهایت این‌که زیباسازی صورت، پوست، مو و بدن که امروزه به یک صنعت پردرآمد و گسترده تبدیل شده، در آن دوره، تنها در حمام‌ها با ابزارهای ساده‌ای مثل حنا صورت می‌گرفت و بخشی از آداب و فرهنگ استحمام به‌شمار می‌رفت. در واقع، حمام قجری به تنهایی ایفاگر نقشی بود که در حال حاضر انواع آرایشگاه‌ها و سالن‌ها و کلینیک‌های زیبایی برعهده دارند.

4- بعد اجتماعی فرهنگ استحمام:

حمام‌های دوره قاجار در کنار مکان‌هایی مانند مساجد، بازارها و قهوه‌خانه‌ها جزء فضاهای عمومی به‌شمار می‌آمدند؛ در چنین فضاهایی امکان معاشرت مردم با یکدیگر فراهم بود. حمام فرصتی برای دیدار با دوستان و خبرگیری از آنها بود. یکی از بهانه‌هایی که زنان می‌توانستند برای خروج از خانه بیابند، حمام بود. آنها بسیاری از اوقات با هم به صورت دسته‌جمعی، برای رفتن به حمام قرار می‌گذاشتند. در واقع زنان آن عهد، به بهانه‌هایی چون حمام، دید و بازدید دوستان و آشنایان، شرکت در عروسی و تولد، زیارت امامزاده‌ها و... می‌توانستند از خانه خارج شوند.¹ از آنجا که آداب استحمام زنان، ساعت‌ها و گاه تا نصف روز به درازا می‌کشید، آن‌ها فرصت کافی برای گفت‌وگو پیرامون مسائل مختلف و خبرگیری از یکدیگر در اختیار داشتند. به‌خصوص هنگام حنابستن که به انتظار یک یا حتی چند ساعته برای رنگ‌گرفتن موها نیاز بود، فرصت مناسبی برای گپ زدن

1. سفری به دربار صاحبقران، ج 1، ص 202؛ سه سال در آسیا، ص 312.

وجود داشت.

زنان حتی فراتر از گفت‌وگوهای متعارف، شرح اختلافات با همسرانشان را نیز به حمام می‌بردند و در این زمان، حمام به صورت دادگاهی زنانه درمی‌آمد که ریاست آن، و وظیفه‌ی حل اختلافات، برعهده گیس سفیدان بود.¹ حمام‌های عمومی در شکل‌گیری پیوند میان خانواده‌ها نیز نقشی موثر داشتند. به‌خصوص، آنجا فرصت مناسبی بود تا با دختران دم بخت بیشتر آشنا شوند و آن‌ها را با دقت بیشتری زیر نظر بگیرند. یکی از سفرنامه‌نویسان آن عصر، در توصیف زندگی روزمره مردم تهران می‌نویسد: «افراد طبقه متوسط تقریباً همیشه در حال دویدن هستند. در آغاز روز برای دیدار با آشنایان به بازار می‌روند و ناشتایی را با آنها صرف می‌کنند. از این ساعت تا ظهر یا برای کسب اخبار جدید به حمام می‌روند و یا از دوستان خود دیدن می‌کنند...»²

به جز چنین مواردی، حمام‌ها برای بازرگان‌ها مکانی برای آشنایی با هم‌صنف‌ها و خبرگیری‌شان از یکدیگر و مذاکره درباره‌ی معاملات‌شان بود.³ خبرگیری افراد در حمام‌ها البته تنها محدود به مسائل روزمره نمی‌شد و گاهی مطالب مهم و حتی سرنوشت‌ساز کشور نیز میان مردم به بحث گذاشته می‌شد. چنان‌که به گفته‌ی یکی از ناظران خارجی، هنگام جنگ‌های ایران و روسیه، چند روزی در بازار و حمام‌های عمومی ایران صحبت از جهاد علیه روس‌ها در میان بود.⁴ به این ترتیب، حمام‌ها فرصتی برای کسب آگاهی از اخبار روز و همین‌طور اطلاع‌رسانی بود؛ به‌عبارتی، هم امکان خبرگیری و هم خبرپراکنی در حمام‌ها وجود داشت. به دلیل همین بعد اجتماعی استحمام بود که در دوره‌ی قاجار، عده‌ای از سوی نظمیه یا مقام‌های سیاسی به طور ناشناس و محرمانه در حمام‌ها و دیگر فضاهای عمومی استراق سمع می‌کردند و شنیده‌هایشان را تحت عناوینی مثل گفت‌وگو در حمام به بالادستی‌های خود گزارش می‌دادند.⁵ چنین اهمیتی از سوی حکومت، تأییدی بر کارکرد

1. سفر در ایران، ص 65.

2. همان، ص 221.

3. همان، ص 65.

4. سه سال در آسیا، ص 217.

5. مرتضی راوندی، (1382)، تاریخ اجتماعی ایران، ج 4 (بخش اول)، تهران: نگاه، ص 705.

اجتماعی حمام‌ها و البته آگاهی حکومت از چنین کارکرد مهمی است. حتی در معماری حمام‌ها نیز فضایی در بخش سربینه در نظر گرفته می‌شد که پاسخگوی نیاز مراجعان به معاشرت و روابط اجتماعی پس از استحمام بود. در این مکان، بسته به تمکن مالی افراد و نوع حمام، لوازم مختلفی برای استراحت و پذیرایی و آرایش وجود داشت. با توجه به چنین کارکردی، توقف در سربینه پس از استحمام، زمانی طولانی را به خود اختصاص می‌داد و بخش دلچسب و مفرح فرهنگ حمام بود.¹ استحمام‌کنندگان نیز وسایل لازم برای یک دورهم‌نشینی پس از استحمام را با خود همراه می‌بردند. از رسوم پس از حمام، به موارد مختلفی چون قلیان کشیدن،² نوشیدن چای، قهوه و شربت،³ گوش دادن به ساز و آواز⁴ و حتی در برخی موارد، صرف نهار و میوه و شیرینی⁵ و گاه عبادت کردن اشاره شده است.⁶ روشن است که در چنین شرایطی، رفتن به حمام برای ایرانیانی که به تعبیری «عاشق اختلاط و گپ زدن» بودند،⁷ جذاب و لذت‌بخش بود و حمام یک پاتوق همیشگی شمرده می‌شد. به همین دلیل، برای زنان اعیان، استحمام؛ نوعی تفریح و سرگرمی یا همان «بیک‌نیک یا گردش دسته‌جمعی» بود.⁸

زنان و مردان عصر قاجار گاهی با اعمال و ترفندها و یا برخی وسایل، جنبه سرگرمی و تفریحی حمام‌ها را تقویت می‌کردند. چنان‌که مادام سرنّا در گزارش مفصل خود از

1. نسیم علیپور و نیما ولی‌زاده، (1384)، «حمام‌های خصوصی و خانگی» در مجموعه مقاله همایش حمام در فرهنگ ایرانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده مردم‌شناسی، ص 407.
2. س. ج. و بنجامین، (1363)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: جاویدان، ص 74؛ آدم‌ها و آئین‌ها در ایران، ص 152.
3. بیست سال در ایران، ص 199؛ سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان، ص 247.
4. همان‌جا؛ آدم‌ها و آئین‌ها در ایران، ص 155.
5. همان‌جا.
6. میرزا قهرمان امین‌لشکر، (1378)، *روزنامه خاطرات امین‌لشکر*، به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران: اساطیر، ص 144، 55، 42؛ *خاطرات مونس‌الدوله*، ص 238.
7. آدم‌ها و آئین‌ها در ایران، ص 69.
8. همان، ص 153.

استحمام زنان ایرانی، ضمن اشاره به سایر امکانات سرگرم‌کننده از نقالی و معرکه‌گیری یکی از زنان در حمام و قصه‌گویی او برای دیگران سخن به میان آورده است.¹ بعد اجتماعی استحمام در زمان قاجار از جوانب دیگری نیز قابل تامل است؛ به عنوان نمونه: در روابط اجتماعی ایرانیان در آن عصر، زمانی که میزبانی قصد داشت تا رسم میهمان‌نوازی را به نحو احسن به جای آورد، میهمان خود را دعوت به حمام می‌کرد.² آماده کردن حمام و دعوت میهمان به آن، نشان‌گر احترام ویژه میزبان به میهمان خود بود. در این گونه موارد، معمولاً میهمانان جواب نه به این دعوت نمی‌دادند و با آغوش باز از آن استقبال می‌کردند. در واقع، حمام بهانه‌ای برای ابراز صمیمیت و تحکیم روابط بود. به این ترتیب حمام در کنش اجتماعی برای مرد و زن ایرانی آن روزگار - که در کمتر فضای عمومی دیگری مثل حمام‌ها می‌توانستند آزادانه و با آرامش خاطر به معاشرت با هم بپردازند - فرصت مناسبی برای دورهم‌نشینی، احوال‌پرسی و خبرگیری از یکدیگر فراهم می‌آورد و نقش یک پاتوق را در جامعه‌ی عصر قاجار ایفا می‌کرد. در واقع در غیاب وسایل ارتباط جمعی جدید، حمام‌ها با کارکردی شبیه به این وسایل، هم امکان ارتباط‌گیری افراد با یکدیگر را فراهم می‌کردند و هم فضایی برای خبرپراکنی به شمار می‌آمدند.³

1. همان، ص 154-155.

2. حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه‌مافی، (1362)، *خاطرات و اسناد حسینقلی‌خان نظام‌السلطنه‌مافی*، ج 1، به‌کوشش معصومه مافی و... [و دیگران]، تهران: نشر تاریخ ایران، ص 79؛ گرتروود لوتیان بل، (1363)، *تصویرهایی از ایران*، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران: خوارزمی، ص 9.

3. حمام ایرانی به تدریج، مثل بسیاری از پدیده‌های دیگر در جریان مدرن شدن، به خصوص در دوره‌ی پهلوی و همین‌طور جمهوری اسلامی، دچار تحول ساختاری و کارکردی شد. آرام‌آرام در حمام‌ها، از دوش استفاده شد، خزینه‌ها و حمام‌های عمومی ویران شدند و سر و شکل حمام‌های عمومی تغییر کرد. بعد هم پای حمام‌های نمره به میان آمد که تلاشی در جهت هر چه خصوصی‌تر کردن حمام‌های عمومی بود، اما آنچه که ضربه‌ی نهایی را بر پیکر حمام‌های سبک قدیم وارد کرد، همه‌گیر شدن روزافزون حمام‌های خانگی بود. طوری که امروزه، در طرح خانه‌ها حتماً فضایی را به حمام اختصاص می‌دهند. به این ترتیب کارکرد اجتماعی حمام‌ها به طور کلی از میان رفت. در کنار این تغییر و تحولات، وضع بهداشتی حمام‌ها بهتر شد، اما رسومی مثل مشت و مال و حتی کیسه‌کشی و حنا بستن اگرچه به طور کامل محو نشدند؛ ولی دیگر از سکه افتادند. در نتیجه، از یک طرف حمام‌ها کارکردهای متنوع گذشته خود را از دست دادند و از

نتیجه

ویژگی‌ها و ابعاد چندگانه‌ای که برای طرز استحمام ایرانیان در دوره قاجار، نام برده شد، در کنار هم، فرهنگ استحمام را رقم می‌زد که رنگ و بویی ایرانی - اسلامی داشت. نوع معماری حمام‌ها، نقش مستقیم اعتقادات دینی در شیوه و آداب استحمام، اعمال مختلفی از جمله کیسه‌کشی و مشت‌ومال که در جریان استحمام انجام می‌شد و در پاکیزگی و آرامش و سلامتی افراد نقشی بسیار موثر داشت، سنت‌های رایجی مثل حنا بستن و استفاده از حمام به عنوان یک پاتوق و محفلی که هم کارکرد خبررسانی و هم بعدی تفریحی داشت و... همگی فرهنگ استحمام ایرانیان را با چهار کارکرد بهداشتی - سلامتی، دینی، زیبایی‌شناختی و اجتماعی شکل می‌دادند.

چنان‌که روشن شد فرهنگ بومی این سرزمین در آن زمان، بستری بود که شیوه استحمام مردم را با اجزای مختلفش شکل می‌بخشید. به همین دلیل، فرهنگ استحمام از هویتی ایرانی بهره می‌برد و بازتاب‌دهنده‌ی فرهنگ و اعتقادات ایرانیان بود و در نتیجه، می‌توانست در تقویت بعد فرهنگی هویت ملی ایرانی نقش آفرین باشد. وجوه مشترک طرز استحمام زنان و مردان ایرانی در زمان قاجار، یکی از عوامل تمایز فرهنگ جامعه ما با جوامع دیگر بود. به این ترتیب به نظر می‌رسد اصطلاح «استحمام ایرانی» در توصیف شیوه و آداب استحمام مردم ایران در عصر قاجار، تعبیری بامسما و صحیح باشد؛ به همین دلیل، بسیاری از اشخاصی که در آن دوره‌ی زمانی قدم به این سرزمین گذاشتند و با فرهنگ حمام ایرانیان آشنا شدند، در نوشته‌هایشان آن را بازتاب دادند. حتی کسانی چون گاسپار دروویل و یاکوب‌ادوارد پولاک فصلی مجزا را به این موضوع اختصاص دادند.

سوی دیگر هرچه بیشتر شبیه حمام‌های سایر جوامعی شدند که در معرض مدرنیته غربی قرار گرفتند و دیگر برخلاف عصر قاجار، نشانه‌هایی از هویت ایرانی در آنها به چشم نمی‌خورد.

فهرست منابع و مأخذ

- اتحادیه، منصوره و سعید روحی، (1385)، در محضر شیخ فضل‌الله نوری (اسناد حقوقی عهد ناصری)، با پیشگفتاری از علی آل‌داود، ج 2، تهران: تاریخ ایران.
- امین‌لشکر، میرزا قهرمان، (1378)، روزنامه خاطرات امین‌لشکر، به‌کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران: اساطیر.
- انوری، حسن، (1384)، فرهنگ امثال سخن، ج 1، تهران: سخن.
- براون، ادوارد گرانویل، (1381)، یک‌سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی‌علامه، تهران: ماه‌ریز.
- بروگش، هینریش، (1367)، سفری به دربار صاحبقران، ترجمه حسین کردبچه، ج 2، تهران: اطلاعات.
- بل، گرتروود لوتیان، (1363)، تصویرهایی از ایران، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران: خوارزمی.
- بن‌تان، آگوست، (1354)، سفرنامه آگوست بن‌تان، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام‌مافی)، تهران: بی‌نا.
- بنجامین، س. ج. و. (1363)، ایران و ایرانیان، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: جاویدان.
- پولاک، یاکوب ادوارد، (1368)، سفرنامه پولاک؛ ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- تحویلدار، حسین بن محمدابراهیم، (1388)، جغرافیای اصفهان (جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر)، به‌کوشش الهه تیرا، تهران: اختران.
- حاجی قاسمی، کامبیز، (1383)، حمام‌ها، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، مرکز اسناد و تحقیقات؛ روزنه.
- خضری، امین (واله)، (1382)، فرهنگ‌نامه امثال و حکم ایرانی، شیراز: نوید شیراز.
- دروویل، گاسپار، (1365)، سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، تهران: شب‌او‌یز.
- دیولافوا، ژان، (1332)، سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه علیمحمد فره‌وشی، تهران: خیام.
- راوندی، مرتضی، (1382)، تاریخ اجتماعی ایران، ج 4 (بخش اول)، تهران: نگاه.
- روششوار، کنت ژولین دو، (1378)، خاطرات سفر ایران، ترجمه مهران توکلی، تهران: نی.
- سرنا، کارلا، (1362)، آدم‌ها و آئین‌ها در ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- شهری، جعفر، (1368)، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، ج 3، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، اسماعیلیان.
- طبسی، محسن، (1392)، کتابنامه گرمابه‌ها، مشهد: سخن‌گستر.
- _____، (1390)، گرمابه‌های ایران در آینه سفرنامه‌ها، مشهد: سخن‌گستر.
- غلیپور، نسیم و نیما ولی‌زاده، (1384)، «حمام‌های خصوصی و خانگی» در: مجموعه مقالات همایش حمام در فرهنگ ایرانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده مردم‌شناسی.

142 مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره 21

- عین السلطنه، قهرمان میرزا، (1374-1376)، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج 1-2، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- فلاندن، اوژن، (1356)، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
- فلاندن، اوژن و پاسکال کست، (1377)، ایران قاجار از دیدگاه دو هنرمند فرانسوی، نگارش متن فارسی و انگلیسی: کریم امامی، تهران: نگار.
- فوروکاوا، نوبویوشی، (1384)، سفرنامه فوروکاوا، ترجمه هاشم رجبزاده و کینجی ئه‌اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فوریه، ژوانس، (1390)، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش محمدرضا حسن بیگی، تهران: نوین.
- گوینو، ژوزف آرتور، (1383)، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.
- گیلانی، محمدکاظم، (1387)، حفظ الصحه ناصری، به کوشش رسول چوپانی، تهران: المعی.
- معیرالمالک، دوستعلی خان، (1372)، یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران: تاریخ ایران.
- ملازاده، کاظم و مریم محمدی، (1379)، بناهای عام‌المنفعه (آب‌انبار، بازار، پل و سد، حمام)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.
- ملکم، سرجان، (1383)، تاریخ ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: سنایی.
- موریه، جیمز، (1385)، سفرنامه جیمز موریه، ج 1، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- موزر، هنری، (1356)، سفرنامه ترکستان و ایران، ترجمه علی مترجم، به کوشش محمد گلین، تهران: سحر.
- مونس الدوله، (1386)، خاطرات مونس الدوله، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران: زرین.
- ناصرالدین شاه، (1379)، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان، به کوشش فاطمه قاضیها، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- نجمی، ناصر، (1364)، طهران عهد ناصری، تهران: عطار.
- نظام السلطنه مافی، حسین قلی خان، (1362)، خاطرات و اسناد حسینقلی خان نظام السلطنه مافی، ج 1، به کوشش معصومه مافی [و دیگران]، تهران: تاریخ ایران.
- ویشارد، جان، (1363)، بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین.
- ویلز، چارلز جیمز، (1368)، ایران در یک قرن پیش، ترجمه غلامحسین فراگوزلو، تهران: اقبال.
- هولتسر، ارنست، (1355)، ایران در یکصد و سیزده سال پیش، ترجمه محمد عاصمی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم‌شناسی ایران.

